خبر

اعلام آمادگی وزیر دفاع برای اجرای قاطع تدابیر فرمانده معظم کل قوا



گروه سیاسی: وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ارتقای آمادگی رزمی را از محورهای اصلی اقدامات وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برشمرد.

به گزارش تسنیم، مهرداد اخلاقی در پی تدابیر و فرامین راهبردی فرمانده معزز کل قوا در دیدار فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با معظم‌له، بر آمادگی قاطع وزارت دفاع برای عملیاتی‌سازی و تحقق این رهنمودها تأکید کرد و ارتقای آمادگی رزمی، تقویت توان بومی و جهش فناورانه در صنایع دفاعی را از محورهای اصلی اقدامات این وزارتخانه برشمرد.

متن پیام وزیر دفاع به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

تدابیر و فرامین راهبردی فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای مدظله‌العالی خطاب به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح را با دقت و اهتمام دریافت کردیم. این تدابیر، نقشه راه و جهت‌گیری راهبردی مجموعه دفاعی کشور را در مقطع پیش رو ترسیم و مسؤولیت ما را در صیانت از امنیت، استقلال و اقتدار ملی سنگین‌تر کرد. تأکید می‌کنیم وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نه‌تنها در دریافت و درک این رهنمودها، بلکه در عملیاتی‌سازی، تحقق میدانی و تبدیل آنها به دستاوردهای ملموس دفاعی، خود را متعهد و مسؤول می‌داند و همه ظرفیت‌های سازمانی، صنعتی، علمی و فناورانه وزارت دفاع در خدمت تحقق این تدابیر قرار خواهد گرفت.

ما ارتقای آمادگی رزمی هوشمندانه و تحقق راهبرد پاسخ فوری، مؤثر و متناسب با هرگونه تهدید، در هر نقطه و بدون محدودیت جغرافیایی را با قاطعیت دنبال می‌کنیم. شتاب‌بخشی به چرخه طراحی، تولید و تأمین تجهیزات و تسلیحات دفاعی، تقویت زیرساخت‌های صنعتی و فناورانه و ارتقای توان پشتیبانی از نیروهای مسلح، در کانون اقدامات ما قرار دارد. پیام ما به هر طرفی که امنیت و منافع ملی ایران را هدف تهدید قرار دهد، روشن است: هرگونه تعرض با پاسخ متناسب، قاطع و اثرگذار مواجه خواهد شد. دامنه، زمان و پیامدهای پاسخ دفاعی ایران را تهدیدکنندگان تعیین نخواهند کرد. ما برای دفاع از امنیت و منافع ملی کشور، از آمادگی، اراده و توان لازم برخورداریم.

در عرصه فناوری نیز رویکرد ما صرفا استمرار مسیرهای موجود نیست، بلکه حرکت به سوی جهش فناورانه، نوآوری‌های شالوده‌شکن و دستیابی به قابلیت‌های برتر دفاعی را دنبال می‌کنیم. این مسیر جسارت علمی، شجاعت فناورانه، عبور از چارچوب‌های متعارف و اعتماد به توان خلاق دانشمندان و متخصصان ایرانی را می‌طلبد. ما بر این باوریم آینده اقتدار دفاعی کشور را صرفا با افزایش کمّی تجهیزات نمی‌توان ساخت، بلکه باید با ایده‌های نو، فناوری‌های پیشرفته و راه‌حل‌های هوشمندانه، معادلات و محاسبات دشمن را با واقعیت‌های جدید مواجه کرد، از این رو، تقویت معماری اطلاعات‌نظامی، توسعه دفاع بومی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، ارتقای توان پژوهشی و صنعتی و تبدیل دستاوردهای علمی به قابلیت‌های عملیاتی، با شتاب و جدیت دنبال خواهد شد. تجربه گران‌سنگ بومی‌سازی صنایع دفاعی نشان داده جوانان مؤمن، دانشمندان و متخصصان این سرزمین از ظرفیت و توان لازم برای عبور از محدودیت‌ها و خلق فناوری‌های پیشرفته برخوردارند.

صیانت از سرمایه انسانی ارزشمند نیروهای مسلح، تقویت بنیه معنوی، توجه به معیشت کارکنان و خانواده‌های مکرم آنان و ارتقای روحیه جهادی، انگیزه و توانمندی نیروی انسانی، از دیگر محورهای مورد تأکید فرمانده معظم کل قواست. ما در وزارت دفاع، تکریم و پشتیبانی از کارکنان و خانواده‌های آنان را مسؤولیتی حاشیه‌ای نمی‌دانیم، بلکه آن را رکن جدایی‌ناپذیر مأموریت دفاعی کشور و همسنگ توسعه توان تسلیحاتی، صنعتی و فناورانه تلقی می‌کنیم. سرمایه انسانی مؤمن، متخصص، باانگیزه و برخوردار از پشتوانه خانوادگی، بزرگ‌ترین پشتوانه پیشرفت و اقتدار دفاعی کشور است و برای ارتقای جایگاه و توانمندی این سرمایه ارزشمند، برنامه‌های حمایتی، فرهنگی، معیشتی و معنوی را با اهتمام مضاعف دنبال خواهیم کرد. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، اجرای این تدابیر را با اتکا به ظرفیت بی‌بدیل متخصصان و دانشمندان ایرانی، توانمندی صنایع دفاعی، شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه عظیم انسانی کشور و با هم‌افزایی کامل با ستاد کل نیروهای مسلح و سایر نیروهای مسلح پیش خواهد برد. همه ظرفیت‌های سازمانی، صنعتی، پژوهشی و فناورانه وزارت دفاع در خدمت ارتقای آمادگی، تقویت بازدارندگی و پاسخگویی مؤثر به نیازهای نیروهای مسلح قرار خواهد گرفت. به پشتوانه دانش بومی، توان صنعتی، سرمایه انسانی و اراده ملی، مسیر ارتقای اقتدار دفاعی کشور را با قدرت ادامه می‌دهیم. پیام ما روشن است: ایران در برابر تهدید، غافلگیر نخواهد شد؛ در برابر فشار، متوقف نخواهد ماند و در مسیر پیشرفت علمی و فناورانه، محدود به محاسبات و اراده دیگران نخواهد بود. تدابیر فرمانده معظم کل قوا را با تمام توان به برنامه، اقدام و دستاورد تبدیل خواهیم کرد و در پاسداری از امنیت، استقلال و تمامیت سرزمینی کشور، لحظه‌ای درنگ نخواهیم کرد.

مهرداد اخلاقی

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

جدیدترین گزارش‌ها از خسارات حملات ایران به پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه در جریان جنگ رمضان

چشم آمریکا چگونه کور شد



حسین کیامنش

ابعاد حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا در جنگ سوم تحمیلی، آنقدر گسترده و عمیق بوده که حتی با گذشت بیش از ۸ ماه از آغاز جنگ، رسانه‌های خارجی به‌ویژه رسانه‌های آمریکا همچنان ناگزیرند به آن بپردازند و لایه‌های تازه‌ای از خسارات را آشکار کنند.

تازه‌ترین نمونه، گزارش خبرگزاری آمریکایی آسوشیتدپرس است که با اتکا به تصاویر ماهواره‌ای و گفت‌وگو با مقامات آمریکا، تصویری جزئی‌تر از نحوه حملات ایران به زیرساخت‌های نظامی آمریکا در غرب آسیا ارائه کرده است؛ گزارشی که بر اساس آن، ایران نه به شکل تصادفی و پراکنده، بلکه با یک الگوی مشخص، ابتدا سراغ چشم‌ها و گوش‌های پدافندی آمریکا رفت و پس از تضعیف سامانه‌های هشدار و شناسایی، حملات خود را به سمت هواپیماها، آشیانه‌ها، انبارها، تأسیسات ارتباطی، مخازن سوخت و محل استقرار تروریست‌های نظامی آمریکایی گسترش داد.

اینکه ۸ ماه پس از آغاز جنگ، همچنان رسانه‌های آمریکا درباره خسارت‌های واردشده به پایگاه‌های آن کشور در منطقه گزارش‌های تازه منتشر می‌کنند نیز خود به تنهایی معنادار است.

خبرگزاری ای‌پی با بررسی تصاویر ماهواره‌ای متعلق به چند ارائه‌دهنده داده و گفت‌وگو با ۴ مقام منطقه‌ای ایالات متحده که یا در جریان جزئیات قرار داشته‌اند یا شخصا از اهداف مورد اصابت اطلاع دارند، توانسته خسارت‌های وارده به اهداف آمریکایی را راستی‌آزمایی کند. نتیجه این بررسی قابل توجه است: تا شهریورماه، بیش از ۱۱۵ حمله موشکی یا پهپادی که ایران یا گروه‌های محور مقاومت مسؤولیت آنها را پذیرفته‌اند، به سازه‌های ۲۶ پایگاه نظامی و دیگر سایت‌های دارای تجهیزات آمریکایی آسیب زده یا آنها را تخریب کرده است.

اما اهمیت گزارش آسوشیتدپرس در کشف الگویی است که از نحوه طراحی پاسخ ایران حکایت دارد. بر اساس این گزارش، ایران در مرحله نخست سراغ سامانه‌هایی رفت که قرار بود حملات ایران را شناسایی و با آنها مقابله کنند؛ یعنی رادارها و سامانه‌های هشدار زودهنگام. سپس هنگامی که بخشی از این ظرفیت شناسایی و هشدار تضعیف شد، دامنه حملات به سمت هواپیماها و دیگر اجزای حیاتی پایگاه‌ها گسترش یافت.

■ **ابتدا چشم‌های آمریکا، سپس پایگاه‌ها**

ای‌پی نوشت: ایران واکنش خود به جنگ را با حملات دقیق علیه سامانه‌هایی آغاز کرد که مأموریت‌شان شناسایی و دفع حملات ورودی بود. پس از آن، اهداف گسترده‌تر شد و ساختمان‌ها و تجهیزاتی را در بر گرفت که پایگاه‌های آمریکا را برای فعالیت نظامی و استقرار نیروها قابل استفاده و سکونت می‌کردند.

در ۲ روز نخست جنگ، ایران محوطه‌های محافظ رادارهای آمریکا در کمپ عریفجان کویت و پایگاه پشتیبانی نیروی دریایی آمریکا در بحرین را منهدم کرد. همزمان رادارهای قابل حمل در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان سعودی و پایگاه هوایی موفق‌السلطی اردن نیز هدف قرار گرفتند.

ای‌پی به نقل از مدیر شرکت مشاوره اطلاعات فنی «خدمات تحقیقات تسلیحاتی» افزود: ایران به طور مشخص ستون فقرات پدافند هوایی آمریکا را هدف گرفت؛ یعنی رادارهای هشدار زودهنگامی که هم تعمیر و هم جایگزینی آنها دشوار و بسیار پرهزینه است.

پس از حمله به رادارها، ایران در نخستین ماه جنگ بیش از ۵۰ حمله موفق به ۱۸ محل دارای تجهیزات نظامی آمریکا انجام داد. در این مرحله، مناطقی که هواپیماهای آمریکا در آنها مستقر بودند، در اولویت قرار گرفتند. البته این ادعای ای‌پی است که مشخصا با تحفظ منتشر شده و طبیعتا حملات ایران به پایگاه‌ها و مواضع آمریکا در منطقه بیش از اینها بوده است.

آسوشیتدپرس به نقل از ۲ مقام آمریکایی در منطقه تصریح کرد حملات ایران به هواپیماهای سوخت‌رسان، سامانه‌های ارتباطی، مخازن سوخت و محل‌های اسکان نیروها آسیب‌های زیادی وارد کرد.

بنا بر گزارش ای‌پی، در میان کشورهای منطقه که متحد آمریکا هستند، کویت بیش از همه در معرض حملات ایران قرار گرفت. بررسی تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد بیشتر حملات ثبت‌شده، در کویت اتفاق افتاده، هرچند پایگاه‌ها و سایت‌های آمریکا در بحرین، عراق، اردن، عمان، قطر، عربستان و امارات عربی متحده نیز هدف قرار گرفته‌اند.

مرگبارترین حمله شناخته شده و رسانه‌ای شده علیه نیروهای آمریکایی در جنگ نیز در کویت رخ داد؛ جایی که در دومین روز جنگ، حمله پهپادی به بندر شعیبه به هلاکت ۶ نظامی آمریکایی منجر شد.

پایگاه هوایی علی‌السالم در کویت دست‌کم ۳۰ بار هدف قرار گرفت. در نتیجه این حملات، دست‌کم ۱۵ آشیانه هواپیما، چندین انبار و ۱۰ ساختمان در نزدیکی یک منطقه مسکونی آسیب دیدند یا تخریب شدند.

در کمپ بورینگ، خسارات حتی سنگین‌تر بود. حملات ایران باعث شد بخش عمده آشیانه‌های پایگاه غیرقابل شود اما از آنجا که این پایگاه تعداد محدودی هواپیما داشت، بخش‌هایی که برای زندگی و تجمع نیروها استفاده می‌شد، خسارات بیشتری متحمل شدند.

نکته مهم آن است که این خسارت‌ها صرفا به تجهیزات نظامی محدود نماند: ایران با تداوم حملات، نه فقط توان رزمی پایگاه‌ها، بلکه قابلیت آنها برای تبدیل شدن به یک محل عملیاتی پایدار را نیز هدف قرار داد.

پایگاه هوایی الظفره در امارات، در ۳۲ کیلومتری جنوب ابوظبی نیز اوایل جنگ بارها هدف قرار گرفت. حملات به زیرساخت‌هایی مانند آشیانه‌های هواپیما و دیگر تأسیسات آسیب زد و تجهیزات مهمی از جمله یک سامانه رادارِی هشدار زودهنگام و پهپادهای شناسایی و مراقبتی نیز منهدم شد.

پیش از آسوشیتدپرس، روزنامه واشنگتن‌پست دیگر رسانه آمریکایی تابستان سال جاری نوشت تصاویر ماهواره‌ای دست‌کم ۲۲۸ سازه یا قطعه تجهیزات آسیب‌دیده در تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه را نشان می‌دهد؛ از آشیانه‌ها و محل استقرار نیروها گرفته تا انبارهای سوخت، هواپیماها، تجهیزات راداری، ارتباطی و سامانه‌های پدافندی. واشنگتن‌پست تأکید کرد این رقم تنها شمارش بخشی از خسارت‌هایی است که بر اساس تصاویر ماهواره‌ای قابل شناسایی بوده است.

به گزارش رسانه آمریکایی، پایگاه دریایی ایالات متحده در بحرین، در نخستین روز جنگ، هدف حملات ایران قرار گرفت و کاملا از مدار عملیات خارج شد. نیروی دریایی آمریکا ناچار شد برای پشتیبانی از ناوگان خود در غرب آسیا، به پایگاه دیگو گارسیا در اقیانوس هند تکیه کند؛ پایگاهی که ۲۲۰۰ مایل با بحرین فاصله دارد.

■ **چرا ابعاد خسارات تا این اندازه دیر آشکار می‌شود؟**

یکی از بخش‌های مهم گزارش آسوشیتدپرس به اعمال سانسور گسترده از سوی پنتاگون در انتشار آمار خسارات جنگ اختصاص دارد. بنا بر اذعان این خبرگزاری، شرکت‌های بزرگ ارائه‌دهنده تصاویر ماهواره‌ای که با آمریکا قرارداد دارند، به درخواست مقام‌های آمریکا انتشار عمومی تصاویر خود را متوقف یا با تأخیر مواجه کردند.

به همین دلیل، امکان مشاهده مستقیم خسارت‌ها تا مدت‌ها بسیار محدود است. نمونه روشن این وضعیت، کمپ بورینگ کویت است. این پایگاه از جمله مکان‌هایی بود که بیشترین خسارات را متحمل شد اما تصاویر ماهواره‌ای باکیفیت از ارائه‌دهندگان معتبر تا اواسط سپتامبر/ اواخر شهریور در دسترس نبود.

در فاصله توقف انتشار تصاویر در اولین روزهای جنگ تا بازگشت آنها در شهریور، بیش از ۳۰ سازه در این پایگاه آمریکایی آسیب دیده یا تخریب شده بود.

اهمیت اصلی گزارش ای‌پی شاید در نهایت فراتر از فهرست خسارت‌ها باشد. آنچه این رسانه آمریکایی ترسیم می‌کند، چالشی جدی برای مدل استقرار نظامی آمریکا در منطقه است.

آسوشیتدپرس نوشت: خسارت‌های وارده، حضور نظامی آمریکا در منطقه را به شکل قابل توجهی تغییر داده است. ۲ مقام منطقه‌ای ایالات متحده به این خبرگزاری گفتند آمریکا بسیاری از دارایی‌های خود را از خلیج فارس خارج کرده؛ از هواپیماها و سامانه‌های پدافند هوایی گرفته تا تجهیزات ارتباطی و دیگر تجهیزاتی که برای فعالیت پایگاه‌ها حیاتی است.

در نتیجه، مساله فقط این نیست که چند آشیانه یا چند رادار منهدم شده است، مساله بزرگ‌تر، تغییر محاسبه امنیتی آمریکا درباره استقرار تجهیزات ارزشمند در پایگاه‌های ثابت منطقه است.

چندی پیش نیز رسانه‌های آمریکا به نقل از سنتکام خبر دادند ارتش تروریست ایالات متحده به دنبال تخلیه دائم پایگاه‌های خود از کشورهای حاشیه خلیج فارس و تجمیع لجستیک و تجهیزات و فرماندهی خود در اردن و سرزمین اشغالی است. با این پیشفرض که پایگاه‌های آمریکا در اردن و اسرائیل در تیررس موشک‌های ایران نخواهند بود. این در حالی است که آخرین حمله جدی موشکی ایران به پایگاه‌های آمریکا، مربوط به موفق‌السلطی بود که طی آن دست کم ۸ فروند جنگنده «اف ۱۵» آمریکا منهدم شدند. کنگره آمریکا در گزارش اخیر خود درباره خسارات جنگ علیه ایران، به این موضوع اذعان کرده است.

حکمرانی با اراده‌های زنده

نگاه

ادامه از صفحه اول

ولایت فقیه در مقام فلسفه اداره جامعه، حامل یک الگوی زیست سیاسی و مدیریتی است که از ۳ ویژگی بنیادین برخوردار است:

۱- غایت‌گرایی و مأموریت‌محوری: سیاست در این نگاه، اصالت خود را از تحقق اهداف بنیادین (اقامه عدالت، نفی سلطه، رشد معرفتی جامعه و عزت ملی) می‌گیرد، نه از گردش کور فرآیندهای بروکراتیک.

۲- حرکت شبکه‌ای و تکیه بر اراده‌های زنده: تصمیم‌گیری در این افق، مردم را تماشاچی یا مصرف‌کننده منفعل تصمیمات دولت نمی‌داند، بلکه اصالت را به عاملیت، ابتکار و میدان‌داری آحاد جامعه می‌دهد.

۳- جسارت تصمیم‌گیری و بن‌بست‌شکنی: خصلت بارز تصمیم‌گیری در این ساحت، شجاعت در برابر موانع، سرعت عمل در بحران‌ها و اتکا به عقلانیت خلاق و نامتعارف است؛ همان منطقی که در اوج تحریم‌ها و تهدیدات، جهش‌های بزرگ علمی و نظامی را برای کشور رقم زد.

در نقطه مقابل، دیوان‌سالاری برآمده از دولت مدرن شبه‌غربی بر مبانی دیگری استوار است:

الف- محافظه‌کاری و ادامه وضع موجود: نخستین کارویژه ناخودآگاه بروکراسی مستقر، حفظ حیات خویش، دفاع از منافع صنفی مدیران و به حداقل رساندن ریسک شخصی است.

ب- قربانی شدن نتیجه در پای تشریفات اداری: در این سیستم، گردش صحیح فرم‌ها، آیین‌نامه‌ها و جلسات اصالت دارد؛ حتی اگر به قیمت مسدود شدن کار مردم و شکست اصل سیاست‌های راهبردی تمام شود.

پ- انحصارگرایی تصدی‌گری: ماشین دولت همواره مایل است تمام امور جامعه از اقتصاد تا فرهنگ و آموزش را در تیول انحصاری کارمندان خود نگه دارد و هرگونه ورود ظرفیت‌های خودجوش مردمی را تهدیدی برای اقتدار خود می‌پندارد.

در پرتو این تقابل، معمای کارآمدی نظام در شرایط جنگ به روشنی رمزگشایی می‌شود؛ اینکه چرا کشور در عرصه اقتدار دفاعی، موشکی و هوافضا توانست در تراز یک قدرت تعیین‌کننده جهانی در برابر ائتلاف غرب و رژیم صهیونیستی بایستد اما در عرصه‌هایی چون مهار تورم، ساماندهی بازار خودرو یا اصلاح ساختار بانکی با فرسایش مواجه است؟

پاسخ این است که بخش دفاعی با روح حاکمیت ولایی (مأموریت‌پایه، جوان‌گرا، افق‌گشا، جهادی و پیوندیافته با ایمان) سازماندهی شده و از قواعد اداری دست‌وپاگیر دوری جسته و حرکت خود را بر چهارپایه مستحکم مشارکت مردم، روحیه انقلابی، مسؤولیت‌پذیری خط‌شکنانه و باور و اعتقاد قلبی به افق‌های پیش رو بنا نهاده است اما بخش قابل توجهی از اداره کشور همچنان در چنبره روح «دیوان‌سالاری فرسوده» نفس می‌کشد؛ ساختاری که هنر آن، کند کردن شتاب تحولات و تبدیل مطالبات راهبردی به کارهای روزمره و کم‌اثر است.

■ **در راهوره‌های بروکراسی چه بر سر سیاست‌ها می‌آید؟**

اصطکاک میان روند کلی نظام و ماشین اجرایی از طریق ۳ سازوکار ساختاری رخ می‌دهد که موجب عقیم ماندن اراده‌های تحولی می‌شود.

یکم- تبدیل مأموریت راهبردی به روزمرگی

هنگامی که ولی فقیه سیاستی بنیادین نظیر اقتصاد مقاومتی، مهار تورم و رشد تولید یا اصلاح الگوی مصرف را اعلام می‌کنند، این سیاست حامل یک مأموریت انقلابی و نیازمند دگرگونی در ریل‌گذاری است اما ماشین دیوان‌سالاری به‌سرعت آن را از محتوای دگرگون‌ساز تهی می‌کند. بروکراسی با تشکیل کمیته‌های موازی، دبیرخانه‌های متعدد و صدور دستورالعمل‌های تکراری، مأموریت را در شبکه‌ای از تشریفات ذوب می‌کند تا پس از مدتی، اصل سیاست بدون آنکه اثری در میدان بگذارد، به فراموشی سپرده شود.

دوم- معضل و توی پنهان از طریق تعارض منافع سازمانی و ارزشی

بدنه اداری دارای منافع نهادینه‌شده است. هرگاه سیاستی تحول‌خواهانه از موضع ولایت فقیه صادر شود که اقتضای آن شفافیت مالیاتی، لغو امضاهای انحصاری، پایان دادن به بنگاه‌داری بانک‌ها یا سپردن مدیریت اقتصاد به مردم باشد، دیوان‌سالاری با استفاده از حربه کارشناسی نبودن یا نبود زیرساخت، اجرای آن را به تعویق می‌اندازد. این پدیده، همان وتوی بروکراتیک سیاست‌های بالادستی به دست لایه تکنوکرات است.

در سطحی عمیق‌تر، این وتوی پنهان از تعارض ارزشی و گسست اعتقادی در بدنه تصمیم‌گیری و اجرا تغذیه می‌کند. در بسیاری از موارد، مانع اصلی پیشبرد سیاست‌ها، به حاشیه رفتن اراده بر اثر فقدان باور شخصی مجریان به مبانی سیاست‌های ابلاغی است. هنگامی که کارگزار یا کارشناسی از منظر جهان‌بینی و نظام ارزشی، با مبانی فکری حاکم بر تصمیمات بالادستی نظیر عدالت‌خواهی، اتکا به توان درون‌زا یا خط‌مشی‌های همسو با مطالبات ولی فقیه هم‌داستان نباشد، خود را متعهد به تحقق آن نمی‌داند. در چنین شرایطی، بی‌اعتقادی فردی در قالب مقاومت منفی، بی‌تفاوتی مدیریتی، مصلحت‌اندیشی‌های خودسرانه و معطل گذاشتن عمدی دستورالعمل‌ها بروز می‌یابد، به گونه‌ای که سیاست‌های اصیل و تحول‌آفرین، در راهروهای بی‌انگیزگی و کارشکنی ناشی از تعارض ارزشی، بی‌استفاده رها شده و عملا وتو می‌شود.

سوم- انجماد سرمایه انسانی در قفس رویه‌های استخدامی

دیوان‌سالاری کنونی از یک سو با سازوکارهای صلب و محافظه‌کارانه، مانعی ساختاری در مسیر کشف و جذب استعدادهای انقلابی و جوانان متعهد ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، با تحمیل نظام ارزیابی سنتی، ترفیعات سنواتی و پاداش‌های غیرمرتبط با خروجی، هرگونه مجال برای خلاقیت، ابتکار عمل و ایده‌های نو را سلب کرده و این نیروها را به‌تدریج دچار فرسایش و روزمرگی می‌کند. در این چارچوب ضدابتکار، مدیری که می‌تواند با روحیه جهادی بن‌بست‌ها را بشکند و دست به ریسک‌های بزرگ بزند، پس از چند سال زیست در این اتمسفر، به فردی منفعل تبدیل می‌شود که پویایی و نوآوری را قربانی محافظه‌کاری کرده و تنها دغدغه‌اش امضای بی‌دردسر اسناد بدون ایجاد حساسیت نهادهای نظارتی است.

■ **۳ گام برای تحول در نظام اجرایی دولت در افق گام دوم**

عبور از این بن‌بست، نیازمند بازتعریف نسبت میان حاکمیت حول محور ولی فقیه و کالبد اجرایی دولت است. دولت تراز انقلاب اسلامی در گام دوم و مطابق با اندیشه امام شهید، باید بر پایه ۳ اصل نظری بازطراحی شود.

الف- گذار از دولت متصدی به دولت بسترساز و تسهیل‌گر

دیوان‌سالاری کنونی به دلیل اینکه خود مجری، ناظر، قاضی و ذی‌نفع بازار و جامعه است، دچار عدم اثربخشی در عملکرد و سنگینی مفرط شده است. در مدل ولایی، دولت نباید متصدی همه امور باشد و میدان باید برای حضور و مشارکت مردم در جهت حل مسائل فراهم شود؛ کارویژه اصلی دولت در این الگو، بسترسازی عادلانه، رفع موانع قانونی، ضمانت امنیت حقوقی و جهت‌دهی به حرکت عمومی است. نهادهای حاکمیتی می‌توانند در این میان نقش واسطه را ایفا و امکانات نهادهای اجرایی را به ساختارهای منعطف، نخبگانی و شبکه‌های مردم‌پایه متصل کنند.

ب- تغییر هندسه سازمانی سلسله‌مراتبی صلب به سازمان‌های مأموریت‌پایه

الگوی سازماندهی نظامی- صنعتی کشور در دوران دفاع مقدس و در حوزه بازدارندگی دفاعی نشان داد با ساختارهای عریض و طویل وزارتخانه‌ای نمی‌توان پروژه‌های بزرگ را به ثمر رساند. ما نیازمند توسعه نهادهای مأموریت‌پایه (چابک، برون‌سپار، پاسخگوی خروجی و عاری از تشریفات اداری زائد) هستیم. هر مساله ملی (مانند مسکن، آب، انرژی هسته‌ای یا فناوری‌های کوانتومی و هوش مصنوعی) باید به جای واگذاری به یک اداره کل فرسوده، به دست یک گروه مأموریتی مستقل با اختیارات کافی و مسؤولیت معین سپرده شود.

ج- رسمیت‌بخشی حقوقی به حلقه‌های میانی به مثابه بازوهای اجرایی

حلقه‌های میانی، تشکل‌های جهادی تخصصی، تعاونی‌های تولید و مجموعه‌های دانش‌بنیان، ظرفیت‌هایی عینی برای بازآرایی ساختار اجرایی کشورند؛ مشروط به آنکه اتصال حاکمیت با جامعه از انحصار دیوان‌سالاری صلب دولتی خارج شده و بخشی از اختیارات عملیاتی مشخص به این شبکه‌ها تفویض شود. تجارب ملموس نشان می‌دهد در طرح‌های زیرساختی و آبرسانی روستایی، واگذاری مستقیم کار به گروه‌های جهادی فنی و بومی به جای پیمانکاری‌های فرسایشی دولتی، هزینه‌ها و زمان پروژه را به نصف کاهش می‌دهد؛ در زنجیره امنیت غذایی، سپردن مدیریت توزیع نهاده‌ها و سردخانه‌ها به تعاونی‌های محلی خود کشاورزان، واسطه‌گری مخرب شرکت‌های بازرگانی دولتی را مهار می‌کند؛ در صنایع راهبردی، انعقاد قراردادهای خرید تضمینی محصول با کنسرسیوم‌های دانش‌بنیان، گلوگاه‌های فنی تحریم‌پذیر را بسیار سریع‌تر از پژوهشگاه‌های موازی دولتی حل می‌کند و در مدیریت آسیب‌های اجتماعی نیز خرید خدمت از تشکل‌های مردمی محله‌محور، خروجی‌هایی پایدارتر از تصدی‌گری بروکراتیک نهادهایی چون بهزیستی به بار می‌آورد.

بازآرایی ساختاری شرط بقا و بالندگی جمهوری اسلامی در این پیچ تاریخی سرنوشت‌ساز است. همان عقلانیت جسورانه‌ای که با تکیه بر ایمان و ابتکار، موازنه قدرت را در میدان رویارویی با دشمن دگرگون کرد، امروز باید قفل‌های کهنه دیوان‌سالاری داخلی را بگشاید.

سرنوشت اقتدار و مشروعیت نظام، بیش از هر زمان دیگری در گرو جسارت برای آزادسازی این ظرفیت‌های مردمی و عبور از عافیت‌طلبی تکنوکراتیک است؛ میدانی که در آن، کارآمدسازی ماشین اداره کشور تعیین‌کننده‌ترین سنگر نبرد برای تضمین آینده انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.